

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حزب کار ایران – توفان

۲۲ اگست ۲۰۱۱

اصولیت انقلابی و نان به نرخ روز خوردن اسلامی

قدیمی ها می گفتند آنچه به خود نمی پسندی به دیگران میسند و یا پشت سر کسی سخنانی بر زبان نیاور که قادر نباشی آنها را در پیش رویش نیز بازگو کنی. همین سخنان را کانت فیلسوف المانی عصر روشنگری به این صورت بیان کرده است: چنان باش که بتوانی به هر کسی بگویی (کانت).

در این سخنان حکمتی است که تجربه قرنها مردمی است که در سرزمین ایران و یا در عرصه گیتی زندگی کرده و از سیر حوادث آموخته و آن را برای پرتو افکندن به راه آینده تدوین و جمعبندی نموده و به نسل بعدی ارائه کرده اند.

ما کمونیستها اگر بخواهیم آنرا به زبان علمی برگردانیم از **اصولیت انقلابی** سخن خواهیم گفت. کمونیستها موظفند از اصولیت کمونیستی در هر شرایط دفاع کنند و نه اینکه به اساس ورزش باد و شیوع افکار عمومی نامناسب رنگ عوض کرده همراهِ جماعت شوند و دفاع از اصولیت انقلابی را به دور افکنند. وقتی حزب ما تشخیص می دهد سخنرانی خروشچف در مورد شخصیت استالین و ساختمان سوسیالیسم در شوروی سراپا جعلی و مملو از دروغ و تحلیلهای نادرست بوده است، وقتی همان گزارش "محرمانه" نخست در خارج شوروی توسط سازمان امنیت امریکا پخش می شود و از آن تاریخ رویزیونیستها، تروتسکیستها، اپورتونیستها، ضد انقلابیها به جعل تاریخ مشغولند و هر عمل زشت و نکوهیده که در عرصه جهان انجام می دهند آنرا به گردن رفیق استالین می گذارند، اصولیت انقلابی حکم می کند که در برابر اکاذیب و فتنه گریهای دشمن قد علم کند. ببینید چقدر مضحک است که عده ای رهبر سازمان مجاهدین خلق را که سازمانی ضد کمونیستی است متهم می کنند روشهای استالینی دارد. آقای محمد خوش چهره استاد دانشگاه در مورد اعمال نفوذ حکومت در دانشگاه و بازنشسته کردن اجباری استادان می گوید:

"متأسفانه برخی می خواهند این مشکلات را با برخی روش های انحرافی استالینی حل کنند که در برخی سطوح اجرائی با ملاحظات سیاسی و جناحی بر مصالح و منافع ملی چربش دارد." حتی کار به جایی می رسد که هیئتلر را

هم متهم کنند که روشهای استالینی داشته است. ما از اتهامی که در این عرصه به چنگیز خان و تیمور لنگ خواهند زد سخنی از پیشگویی بر زبان نمی رانیم.

آنوقت حزب ما نمی تواند با این کُر دستجمعی و موج تبلیغاتی سازمانیافته بورژوازی امپریالیستی ضد انقلاب جهانی هم آوا شود، زیرا آنوقت همدست دروغگوها خواهد شد. حزب ما به وجود نیامده تا همدست و همرنگ دروغگوها شود، بلکه برای آن به وجود آمده تا با دروغهای دشمنان طبقاتی مبارزه کند. آنها که این بدیهیات را نمی فهمند، دلایل علت حضورشان در اجتماع حقیقتاً پرشش انگیز است. آنها باید نخست هویت سیاسی ایدئولوژیک خویش را روشن کنند. اصولیت انقلابی حکم می کند که حقایق را به مردم گفت حتی اگر در شرایط کنونی تناسب قوای طبقاتی صدای ما تحت الشعاع بوقهای گوش خراش امپریالیستها و رویزیونیستها و تروتسکیستها قرار گیرد. جهان در حال تحول است و وضعیت همیشه به این صورت نمی ماند. تجربه تاریخ همیشه از کسانی دفاع خواهد کرد که بر اصولیت انقلابی متکی بوده اند و مردم نیز به کسانی اعتماد خواهند کرد که به روی اعتقادات و سخنان درست اصولی خویش در شرایط مناسب و یا نامناسب پافشاری کرده اند. این نوع پافشاری از اعتقاد محکم ایدئولوژیک و صمیمیت پرولتری منشاء می گیرد. حزب ما در گذشته سیاست اصولی خویش را در رد نظریات جنبش چریکی که ناقض حزبیت و بی اعتمادی به توده مردم و بی توجهی به خیل عظیم کارگران و دهقانان بوده است، در عین تجلیل از آرمانپرستی و مبارزه انقلابی آنها، بارها بیان کرده است و تسلیم فضای تبلیغاتی ضد حزبها نشده است. حزب ما همیشه روحانیت و مذهب را ارتجاعی دانسته ولی میان روحانی مترقی با روحانیت ارتجاعی تفاوت قابل بوده است و از آن دفاع کرده است. کسانی که نظریات حزب ما را دنبال می کنند می دانند که حزب ما غنی سازی اورانیوم را حق مردم و کشور ایران می داند و از حقوق ملل حمایت می کند و تلاشهای امپریالیستها و صهیونیستها را که ایران را از این حق طبیعی خود محروم کنند محکوم می نماید، حزب ما حقوق بشر را تجزیه بردار نمی داند و خواهان ارتقاء آن تا حذف مالکیت خصوصی بر وسایل تولید است و هرگز چون فضای عمومی برای چند تا روشنفکر لیبرال ایرانی آماده است، حاضر نیست پشت جنایات جمهوری اسلامی سنگر بگیرد تا بر جنایات امپریالیستها و صهیونیستها در سراسر جهان چشم ببندد و حقوق بشر را گزینشی مورد دفاع قرار دهد. حزب ما مخالف استعمار است و همیشه از مبارزه ملتهای تحت ستم و مستعمرات به ضد ستمگران حمایت کرده است. حزب ما مخالف تجاوز و اشغالگری است و چنین اعتقادی یک اصل بدیهی دموکراتیک است و به این جهت وقتی حماس و حزب الله در فلسطین و لبنان و یا خلق عراق در عراق و خلق افغانستان در افغانستان به ضد اشغالگران برای رهایی ملی مبارزه می کنند، ما از این مبارزه سیاسی دارای ماهیت ملی حمایت می کنیم و برای ظفره رفتن و حمایت از امپریالیسم و صهیونیسم خودمان را پشت دوستی جمهوری اسلامی و حماس و حزب الله و ایدئولوژی اسلامی این سازمانها پنهان نمی کنیم. مبارزه طبقاتی مبارزه لجبازی و کینه توزی گروهی نیست. حزب ما از دموکراسی طبقاتی و پیگیر دفاع می کند و سرکوب و نابودی ستمگران را در مبارزه انقلابی الزامی می داند و در آینده نیز از آن با تبلیغ اعمال قهر انقلابی حمایت خواهد کرد و به همین جهت حزب ما مخالف آن است که به اساس مد روز بر این مفاهیم پیرایه لیبرالیسم بیوشانند و آنها را در قالب کالاهای قابل فروش مانند "آزادیهای بی قید و شرط" و یا "لغو اعدام" مطابق ذائقه بورژوازی خونخوار و خونریز و استعمارگر آدمخوار ساخته و به بازار عرضه کنند. حزب ما هرگز ماهیت دموکراسی را که طبقاتی است نفی نمی کند و هرگز حاضر نیست از یک موضعگیری تاکتیکی- سیاسی و افشاءگرانه آنها در شرایط مشخص، در مورد مفهوم اعدام به طور کلی یک تئوری پوچ و غیر طبقاتی عمومی با ابراز انزجار گوشخراش از خشونت، قهر طبقاتی را نفی کند و از لغو اعدام یک

فضیلت غیر طبقاتی بسازد تا تروریسم آشکار و پنهان بورژوازی را تأیید کند و به خورد مردم دهد. در این زمینه ها می توان این سیاهه را ادامه داد و نشان داد که حمایت از اصولیت انقلابی و شنا کردن خلاف جریان آب به چه مفهوم است. حزب ما به این جهت از اصولیت انقلابی حمایت می کند.

سرنوشت کسانی را که از این نوع اصولیت دفاع نمی کنند و یا بنا بر ماهیت طبقاتیشان نمی توانند دفاع کنند می شود پیش بینی کرد. در این میان وضع روحانیت از همه اسفناکتر است. آنها برای دروغ گفتن تئوری تقيه را دارند و برای انصراف از عمل امروز و توسل به عمل فردا که مغایر امروز است اصل معروف "مصلح اسلام" را دارند. کلید سحرآمیزی که با آن می شود کثیفترین اعمال را توجیه کرد. اگر تجاوز به عنف جرمش قتل است در خدمت منافع اسلام عزیز می توان به هر قربانی تجاوز کرد. اگر تقلب در انتخابات تقلب و عملی نکوهیده است، برای اینکه رأی مردم را در نظر نمی گیرد، می توان به نام نامی "مصلح اسلام" در انتخابات تقلب کرد. اگر زیر پا گذاردن قانون، عملی نادرست است و به مصداق متولی که احترام مسجد را نگاه ندارد دیگران از مسجد آبریزگاه خواهند ساخت، آنوقت قانون به زیر پای هر کس و ناکسی می رود و مورد احترام کسی نیست. اگر می شود مصونیت پارلمانی نماینده مجلس را به خاطر "مصلح اسلام" زیر پا گذاشت آنوقت در آن مجلس را هم می شود بست.

"مصلحت اسلام" وسیله و ابزاری است که می شود در هر موقع که مصلحت ایجاب کند آنرا علیه فرد یا گروهی به کار گرفت. به اساس این "مصلحت" می توان افراد و یا گروه ها را به وسط گود آورد، آنها را سراپا آلوده کرد و به کثافت کشید و سپس مانند قاب دستمال آنها را دور انداخت، به طوریکه از بی آبرویی قادر نباشند آبروریزی کنند. این وضعیتی است که بر سر احمدی نژاد و گروهش درآمده است. ما در اینجا کاملاً با فقدان اصولیت انقلابی روبرو هستیم. فقدان اصولیت، تمام این "مصلحت اسلامی" را با بوقلمون صفتی شالوده ریزی کرده است. فرمانده سپاه پاسداران به دستور بیت رهبری در حمله به "جریان انحرافی" (کدامشان انحرافی نیستند- توفان) تهدید کرد: "سپاه پاسداران به عنوان ضابط قوه قضائیه، و با حکم دادستان مأمور دستگیری عوامل انحرافی است". البته این که پاسداران برای دستگیری کسی منتظر حکم دادستان است قدمی به پیش است چون در گذشته نه چندان دور همین کار را به اساس "مصلحت اسلام" بدون حکم دادستان انجام می داد. خمینی تا زمانی که زنده بود سپاه پاسداران را از دخالت در امور سیاست و موضعگیری به نفع این یا آن حزب منع کرد. ولی حال خمینی مرده و سخنانش هم به فراموشی سپرده شده است و از این گذشته در مذهب شیعه سنت بر این است که فتاوی آیت الله هائی که در قید حیات نیستند از درجه اعتبار ساقط است و گرنه دکان آیت الله های بعدی بسته می شد و کلام نخستین آیت الله، حکم آیت قرآن را پیدا می کرد.

به هر صورت سپاه پاسداران به بهانه "دفاع از انقلاب" و "دفاع از اسلام" وظایفی را برای خودش قایل است که دیگر حد و مرزی بر آن متصور نیست. صادق لاریجانی رئیس قوه پوشالی قضائیه در حمایت از دست اندازیهای سپاه با در دست گرفتن همان کلید سحر آمیز گفت: "این نهاد فقط یک نیروی نظامی نیست و جنجالی که برخی در دوران اصلاحات مطرح کردند که اینها نیروهای نظامی صرف هستند برخلاف قانون اساسی است. تعبیری که در قانون اساسی برای پاسداران انقلاب آمده، تعبیری است که در آن دفاع از اسلام و مکتب اسلامی هم هست و این یک مبنای بسیار مهم در عملکرد سپاه است".

بعد از این که احمدی نژاد تهدید کرد که "خط قرمز وی کابینه وی است و اگر بخواهند به آنجا دست درازی کنند حتماً به کشور آسیب وارد می شود"، احمد توکلی یکی از اصولگرایان در مجلس شورای اسلامی گفت: "نه تنها خط

قرمزی برای رسیدگی به اتهام رئیس جمهور، وزراء و اعضای دیگر کابینه وجود ندارد، بلکه قانون اساسی، قوه قضائیه را بالاتر از مقامات نشانده است. رئیس جمهور در صورتی که معتقد است این بازداشت ها سیاسی است، می باید برای حل اختلاف با قوه قضائیه به رهبر جمهوری اسلامی مراجعه کند، نه این که تهدید کند به مردم روی خواهد آورد و مسایل را با مردم در میان خواهد گذارد". رئیس دیوان عدالت اداری به نام محمد جعفر منتظری بیان کرد: "برای برخورد قضائی با متخلف هیچ خط قرمزی جز قانون وجود ندارد و این که گفته شود فلان مقام یا فلان نهاد خط قرمز ماست، بی معناست". یکی دیگر از ایادی خامنه ای به نام رضا اکرمی عضو جامعه روحانیت مبارز و نماینده تهران در مجلس اسلامی گفت: "چه آقای احمدی نژاد خوشش بیاید و چه خوشش نیاید، قوه قضائیه و دستگاه اطلاعاتی برحسب وظایفشان متخلفان را دستگیر خواهند کرد". همه ایادی خامنه ای به یک باره هوادار قانون اساسی جمهوری اسلامی شده اند و به اعتبار قوه قضائیه تکیه می کنند. و در عوض احمدی نژاد به یک باره می خواهد به مردم رجوع کند همان مردمی که رأی آنها پیشیزی در مقابل رأی ولی فقیه ارزشی ندارد.

احمدی نژاد در سخنرانی خویش اشاره کرده بود که در ایران اسکله های غیر مجاز توسط سپاه پاسداران بنا شده که از طریق آنها به صورت فرافقونی برادران قاچاقچی کالا وارد ایران می کنند. این اقدام که نامش را می شود جنایتکارانه گذارد، عواقب خطرناکی به دنبال دارد. آنها نه تنها عوارض به دولت نمی دهند، نه تنها گمرک را بیکار کرده اند، نه تنها تولیدات داخلی را نابود می کنند و موجب بسته شدن کارخانه ها می شوند، نه تنها در میان تجار بازار که متحد خودشان بودند نا آرامی و ورشکستگی ایجاد می کنند، نه تنها مفت خوری و فقدان امنیت را با خویش می آورند، با این اعمال خویش سبب می شوند که فقر دامن اجتماع را بگیرد و شکاف طبقاتی میان اکثریت مردم و مشتی مافیای در قدرت که خود را صاحب ایران دانسته و به کسی حساب پس نمی دهند افزایش یابد. ما شاهدیم که طبقات نوحاسته مافیائی ایجاد شده اند که ثروتهای افسانه ای از این راه به کف آورده اند. در کنار این خسارات اقتصادی و اجتماعی نظارت امنیتی نیز بر این اسکله ها وجود ندارد و قاچاق انسان نیز در دستور کار است. این مرزهای مافیائی محل عبور و مرور جاسوسان امریکائی و اسرائیلی است و سازمان جاسوسی موساد به این امر اشاره کرده بود که توانسته مأمورین خویش را به راحتی وارد ایران و خارج از ایران بکند. دستگاههای دزد و فاقد اصولیت انقلابی را می شود با پول و رشوه خرید. احمدی نژاد وقتی می گوید "به کشور آسیب وارد می شود" معنایش این است که من مدارکی را که از شما در دست دارم رو خواهم کرد و حقایق را به مردم خواهم گفت. پرسش این است که تا کنون چرا ساکت بودی؟ آیا این سکوت نشانه همدستی با مافیای قدرت به ضد مصالح مردم ایران نبوده است؟ بوقلمون صفتی و رنگ عوض کردن در اسلام ناب محمدی گویا حد و مرزی نمی شناسد.

از هم اکنون دعوی سختی بر سر تقلب در انتخابات مجلس آینده در گرفته است. جناح خامنه ای زبان به اعتراض باز کرده که احمدی نژاد در انتخابات گذشته به "توزیع غیرقانونی پول در میان ۹ میلیون شهروندان" پرداخته است. علی اکبر اولیاء عضو کمیسیون عمران مجلس اعلام کرد که نمایندگان مجلس در "برخورد با تخلفات دولت از قانون" مصمم اند و اضافه کرد: "اتفاقات ماه های اخیر، اصولگرایان و مجلس را متوجه تخلفات اطرافیان دولت کرده و زمینه را برای بررسی و برخورد با چنین تخلفاتی فراهم نموده است."

این اتهامات را می توان به این شکل تنظیم کرد که دولت در انتخابات تقلب نموده است، تخلفات غیر قانونی انجام داده، به سپاه پاسداران با تعبیر خودسرانه قانون اساسی اتهام زده است، مقابل تصمیمات رهبری ایستادگی کرده است و... اکنون دارو دسته خامنه ای که به یک باره حامی اصولیت شده است، مدعی است همه افراد در مقابل قانون مساوی هستند و هر تخلفی را قوه قضائیه رسیدگی کرده و گناهکاران را مجازات می کند. امروز "اصولیت"

حکم می کند که به قوه مقننه و قوه قضائیه احترام گذارد. اگر تا دیروز دستگیری افراد و پرتابشان به درون حفره های انفرادی اصولی بوده و آقای رئیس جمهور هم زیر آن را امضاء کرده است و قاضی مرتضوی را در کنار خود پرورده است، حالا نمی شود بر سر دستگیری اسفندیار رحیم مشائی و بقائی و سایر یاران رئیس جمهور دبه در آورد. اگر تا دیروز "اصولیت" حکم می کرده بی حساب و کتاب گدا پروری کرد و به مردم رشوه داد تا در انتخابات شرکت کنند و ثروتهای ملی را در راه نیات و منافع شخصی بر باد داد، امروز نمی شود با استناد به همان "اصولیت" از غارت سپاه پاسداران که راز همه دانسته ای بود انتقاد کرد و آنها را به صلابه کشید.

اگر تا دیروز "اصولیت" حکم می کرد برای تصمیمات مجلس ارزشی قایل نبود و مدعی شد رأی مردم نیست ولی فقیه به جای همه تصمیم می گیرد، امروز نمی شود به حقانیت مجلس صحنه گذارد و آنرا قوه ای در کشور دانست که رئیس جمهور حق نادیده گرفتن آنرا ندارد. همه این جناحها در زیر پا گذاردن آنچه که امروز از آن به عنوان اصول یاد می کنند، شرکت فعال داشته اند.

"اصولیت" آنها مصلحتی است اصولیت نیست. این است که سخنانشان نه پشتوانه معنوی دارد و نه پشتوانه مردمی. تجربه همیشه نشان داده است آنها که اصولیت را تحقیر کرده و به زیر پا گذاشته اند، خودشان نخستین قربانیان این بی توجهی بوده اند و در شرایطی قرار می گیرند که دیگر نمی توانند به آنچه از دست داده اند بیاویزند و توسط آن مردم را بسیج کنند. تمام اقدامات غیرقانونی، تمام عملیات فراقانونی، تمام لگدمال کردن قانون حتی قانون خودشان، همه رشوه خواری ها و دزدیها، تقلب در انتخابات و سرکوبها و... با اطلاع هر دو جناح بوده است و مشترکا به انجام رسیده است. هر دوی این جناحها خلافکار و ناقض اصولیت اند و طبیعتا نمی توانند و مشروعیت ندارند متقابلا همدیگر را به نقض اصول متهم کنند. اصول آنها همیشه مصلحتی و موقتی و منفعتی و گزینشی بوده است. وقتی یک گروه و یا جریان فکری فرصت طلبانه به نقض اصول بپردازد، دیگر قادر نیست به نقض آن توسط رقیب ایرادی بگیرد. دارو دسته خامنه ای که به یک باره اصولپرست شده اند این اصول را همیشه به اساس "مصلحت اسلام" که در حقیقت مصلحت حکومت مافیائی باشد، تفسیر می کنند.

فرق کمونیستها با ضد کمونیستها، با بورژواها، با مذهبیین و همه فرقه های ایده آلیست که مالکیت خصوصی بر وسایل تولید را مقدس می شمارند از جمله یکی در همین است. در مبارزه اجتماعی باید بر اصولیت تکیه کرد و با احترام به اصولیت و جا انداختن آن سد بزرگی در مقابل انحرافات و یا سودجویی ها و فرصت طلبان سیاسی ایجاد خواهد شد. بوقلمون صفتان همواره فاقد اصولیت انقلابی هستند. البته کسی می تواند متکی به اصولیت انقلابی باشد که به طبقه کارگر، به توده های خلق تکیه کند و از آنها نیرو بگیرد و به این جهت در شرایط سخت فشار دشمن توانائی مقاومت داشته باشد تا از این مبارزه سربلند بیرون آید.

به فرض اگر احمدی نژاد حرمت قانون را نگاه داشته بود، اگر حرمت قوه مقننه و قضائیه را نگه داشته بود، اگر به مردم احترام می گذاشت و حرمت آنها را به جای می آورد در مقابل دست درازیهای خامنه ای زبان درازی داشت و می توانست مردم را به کمک بخواهد و اسناد را رو کند، ولی وی فرصت را از دست داده است، مورد نفرت عمومی است و دستش در تمام سرکوبها و در تمام عوامفریبیها رو شده است. وی به خاطر همین فقدان اصولیت و رنگ عوض کردن و هاله نورانی دور سرش و دروغهایی که گفته است قادر نیست با هیولای رهبری که زنش را به وی حرام می کند و زن همه هوادارانش را به قاضی مرتضوی در زندان کهریزک حلال می کند در بیفتد. ولی فقیه وی را در چاه زباله خواهد انداخت و کسی هم متأسف نخواهد شد. وی نتوانست رفتاری را که به خود روا نمی دارد در مورد دیگران محکوم کند.

بر گرفته از توفان شماره ۱۳۷ مرداد ماه ۱۳۹۰ آگوست ۲۰۱۱، ارگان مرکزی حزب کار ایران

www.toufan.org

صفحه حزب کار ایران (توفان) در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی (ایمیل).